



Analysis of police Diplomacy in Interpol with an Emphasis on the Extradition of Criminals

Hassan Keyvan¹, Davood Kiany², Keyhan Barzegar³

Abstract

Background and purpose: The extradition of criminals is considered as a part of criminal justice in legal systems, and its purpose is to execute justice for criminals who have escaped from the crime scene. The importance of this is that by using this method of diplomacy in international relations, the opportunity arises for governments, institutions, and people whose rights have been violated to get their rights in a fair way. At the same time, those who have committed crimes should be held accountable for their actions. Based on this, in this article, we intend to investigate police diplomacy in the process of extradition of criminals in international relations, and while evaluating the role of police diplomacy in the extradition of criminals, we will evaluate the influencing factors in this process and identify the existing challenges.

Method: According to the nature and topic of the research, the analytical- descriptive study method has been used to compile this work, and an attempt has been made to analyze the topic in the framework of qualitative methodology.

Findings and results: The extradition of criminals is considered as a method to establish legal order in international relations and prevent chaos caused by crime and the escape of criminals. This issue has caused legal mechanisms to be foreseen in international relations to execute justice on criminals and restore order to different societies, in which the police institution is at the center. Despite accepting the need to extradite criminals to answer for their crimes, we witness the existence of differences and different interpretations regarding the issue and function of the issue of extraditing criminals, which has made police diplomacy ineffective in this field.

Key words: police diplomacy, extradition of criminals, police, accused, criminal.

1. Ph. D. candidate in International Relations, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Islamic Azad University, Science and Research Unit, Tehran.

hassankeyvan1353@gmail.com

2. Ph.D. in International Relations, faculty member and associate professor of the Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Islamic Azad University, Science and Research Unit, Tehran. (corresponding author) dkiani@outlook.com

3. Ph.D. in International Relations, faculty member and associate professor of the Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran. kbarzegar@hotmail.com

واکاوی دیپلماسی پلیسی در اینترنتیل با تأکید بر استرداد مجرمان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۲۹

نوع مقاله: پژوهشی

حسن کیوان^۱

داوود کیانی^۲

کیهان برزگر^۳

چکیده

زمینه و هدف: امروزه یکی از اهداف توسعه دیپلماسی پلیسی در پهنه بین‌المللی، استرداد مجرمین و پاسخگو کردن افرادی است که مرتکب بزه شده و از کشور محل وقوع بزه متواری شده‌اند. در این راستا، هدف اصلی مقاله، واکاوی روند توسعه دیپلماسی پلیسی در اینترنتیل با تأکید بر استرداد مجرمان و شناسایی چالش‌های پیش روی آن است.

روش: با توجه به ماهیت و موضوع پژوهش برای تدوین این اثر از روش مطالعات تحلیلی توصیفی یاری گرفته شده است و تلاش شده است که در چارچوب روش‌شناسی کیفی به تحلیل موضوع پرداخته شود.

یافته‌ها و نتایج: استرداد مجرمان در اینترنتیل به مثابه روشی برای ایجاد نظم حقوقی در روابط بین‌الملل مورد توجه است. اما آن چه مهم است؛ با وجود ضرورت استرداد متهمان و مجرمان برای پاسخگویی به جرایم خویش، شاهد وجود اختلاف نظر و تفسیرهای گوناگون در مورد موضوع و کارکرد «استرداد مجرمان» هستیم که همین امر باعث شده است دیپلماسی پلیسی در این زمینه از کارایی مورد نظر برخوردار نباشد. چرا که ارائه تفسیرهای مختلف از ماهیت این جرم در کشورهای مختلف، تاثیر عوامل سیاسی و یا نوع روابط کشورها در پهنه بین‌المللی؛ موجب گردیده تا اینترنتیل در عمل در تحقق دیپلماسی پلیسی با چالش‌های اساسی روبه‌رو شده و در نیل به اهداف خود ناکام بماند.

واژگان کلیدی: دیپلماسی پلیسی، استرداد مجرمان، پلیس، اینترنتیل.

۱. دانشجوی دکتری رشته روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، هیات و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران hassankeyvan1353@gmail.com

۲. دکترای تخصصی رشته روابط بین‌الملل، عضو هیئت علمی و دانشیار دانشکده حقوق، هیات و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول) dkiani@outlook.com

۳. دکترای تخصصی رشته روابط بین‌الملل، عضو هیئت علمی و دانشیار دانشکده حقوق، هیات و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران kbarzegar@hotmail.com



۱. مقدمه

یکی از مهمترین ملزومات ایجاد یک نظام قضایی عادلانه این است که دستگاه پلیس کشور از چنان کارایی برخوردار باشد که بتواند مجرمان را سریع و اصولی، تحت تعقیب قرار دهد و با دستگیری و سپردن آنان به دست محاکم دادگستری، زمینه را برای اجرای عدالت فراهم سازد. اهتمام پلیس به مبارزه با جرم و مجرمان باعث شده است که برخی از مجرمان برای فرار از عدالت، اقدام به گریز از کشور خود نمایند تا به این ترتیب با خروج از حوزه قضایی که جرم در آن اتفاق افتاده است، از مجازات فرار نمایند. به این پیش فرض، پلیس اینترنتل با مشارکت کشورهای مختلف ایجاد شده است تا زمینه را برای هماهنگی میان پلیس کشورهای مختلف برای دستگیری مجرمان فراهم سازد. همین موضوع سبب پیدایش مفهومی مهم به نام «دیپلماسی پلیسی»^۱ شده است که کشورها به وسیله آن تلاش می کنند با هماهنگی و همکاری با یکدیگر به مبارزه با جرایم پرداخته و در راستای دستگیری مجرمان کوشش کنند. اما باید یادآور شد، دیپلماسی پلیسی دارای فرایندهایی پیچیده است و به همین سبب با چالش های مختلفی روبه رو است. زیرا، بسیاری از کسانی که دست به ارتکاب جرم می زنند، این امکان را دارند (بدون آن که در معرض خطر بازداشت و مجازات قرار گیرند) با خروج از کشور محل ارتکاب جرم، مکانی مناسب برای ادامه زندگی یا تداوم فعالیت های مجرمانه خویش بیابند (Tinsley, 2021: 25). دامنه تکرار این رخداد در یک قرن اخیر و خطرات ناشی از گسترش چنین رفتاری برای نظم بین الملل، عدالت، نظم داخلی کشورها و گسترش جرم و جنایت، باعث شده است تا در حقوق بین الملل، مفهومی کاربردی تحت عنوان «استرداد مجرمان» پدیدار شود. به گونه ای که با تأسی به آن، کشورهای مختلف بتوانند در همکاری با یکدیگر به تعقیب مجرمان بپردازند و آنان را برای اجرای عدالت به نظام قضایی بسپارند (Pangalangan, 2021: 343). در این فرآیند، نهادی که عموماً از آن به عنوان مجری استرداد مجرمان یاد می شود، پلیس است که در سایه همکاری با پلیس بین الملل، دستگاه سیاست خارجی و نهاد قضایی، وظیفه بازگرداندن و تحویل مجرمان به نظام قضایی را بر عهده می گیرد. با این وجود و علی رغم شکل گیری معاهدات متعدد بین المللی دو یا چندجانبه،



شیوه‌های متفاوت استرداد در روابط بین‌الملل و پیوند خوردن این موارد با مقوله مهم دیگری به نام ضرورت پاسداشت منافع ملی در برابر سایر بازیگران، باعث پیچیده شدن دیپلماسی پلیسی در عرصه استرداد مجرمان شده است (Simanjuntak, 2020: 114).

در عرصه بین‌الملل همواره ملاحظات گوناگونی (مانند مفاد قراردادهای دو جانبه، روابط حسنه سیاسی، روابط حسنه اقتصادی و...) وجود دارد که می‌تواند در توسعه دیپلماسی پلیسی و تأثیر گذاری موافقت‌نامه‌های استرداد مجرمان نقش آفرین باشد. برای نمونه، این قراردادهای دو جانبه هستند که می‌توانند روند استرداد مجرمان را به یک روند قانونی تبدیل نمایند و در غیاب آنها بسیاری از کشورها با تفاسیری که از قوانین بین‌المللی ارائه می‌دهند یا با ارائه تفسیری خاص از قوانین و مقررات موجود یا مفاد قراردادهای دو یا چند جانبه، عملاً درخواست استرداد مجرمان می‌تواند با مشکلاتی روبه‌رو شود (Krcmaric, 2022: 8). افزون بر این ممکن است، برخی از کشورهای توسعه‌یافته از امضای موافقت‌نامه‌های استرداد مجرمان با کشورهای در حال توسعه موافق نباشند، چرا که بر این باور هستند که نظام قضایی این کشورها و شیوه‌های اجرای قانون به حد کافی مناسب انجام یک دادرسی عادلانه‌ای و مجازات منطقی نیستند. در چنین فرایندی وظیفه نهاد پلیس بسیار دشوار می‌سازد. همین دلایل، باعث شده در دیپلماسی پلیسی، نهادهای مسئول استرداد مجرمان (به ویژه پلیس)، با محدودیت‌های مختلفی روبه‌رو شوند. از طرف دیگر، در داخل کشور همواره نهادهای قضایی و کسانی که از ناحیه مجرمان آسیب دیده‌اند، خواستار آن هستند که پلیس به نحو مناسبی بتواند در بعد بین‌المللی به تعقیب مجرمان بپردازد و زمینه آن را فراهم نماید تا با ارجاع آنان به دستگاه قضایی، زمینه برای اجرای عدالت فراهم شود. این محدودیت‌ها و انتظارات باعث شده است تا در راستای دستیابی به بالاترین سطح اجرای عدالت در عرصه بین‌المللی، موضوع دیپلماسی پلیسی به یک موضوع با اهمیت تبدیل شود. برای همین منظور در این مقاله کوشش خواهد شد تا ابعاد مختلفی از مسئله دیپلماسی پلیسی و روند استرداد مجرمان مورد بررسی قرار گیرد و به این نکته پرداخته شود که دیپلماسی در فرایند موفقیت خود با چه چالش‌هایی مواجه است؟

۲. مبانی نظری پژوهش

دیپلماسی پلیسی موضوعی است که راهبری صحیح آن وابسته به کارکرد صحیح روندهای حاکم بر سیاست خارجی کشورها (کارایی دستگاه سیاست خارجی) و تلاش نهاد پلیس است. به عبارت دیگر، برای آن که پلیس یک کشور بتواند به موفقیت در دیپلماسی پلیسی دست یابد، باید بتواند از قابلیت‌های سیاست خارجی کشور متبوع خود در عرصه سیاست بین‌الملل بهره‌برداری حداکثری نماید. البته همان گونه که بیان شد، همین موضوع از بعد نظری باعث پیچیده شدن دیپلماسی پلیسی و البته ایجاد چالش‌های مختلف در مسیر آن شده است که از هر دو بعد نظری و کارکردی از اهمیت بسزایی برخوردار هستند.

در عرصه بین‌الملل، مهمترین ویژگی یک کشور مستقل، ناتوانی سایر کشورها برای دخالت در امور داخلی آن‌ها است. والتز به درستی خاطر نشان کرده است که فقدان قانون و نظم در ساختار نظام بین‌المللی به دلیل عدم وجود یک نهاد حاکمیتی مقتدر است که از توانایی ایجاد نظم در جهان برخوردار باشد. به همین علت او نظام بین‌المللی را یک سیستم آنارشیک می‌داند که ماهیت رفتارها و روابط نه به تبعیت از یک قانون و نهاد حکمران بلکه در تعامل بین دولت‌های خودمختار مشخص می‌گردد (Waltz, 2008:40). چرا که هیچ قاعده و نظم مشخصی وجود ندارد که بتواند همه کشورها را به یک شکل و به صورت نظام‌مند وادار به تبعیت از خود نماید و باعث به وجود آمدن یک نظم مشخص در جهان گردد. این موضوع از منظر روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل به این معناست که بر خلاف شرایط حاکم بر داخل جوامع که یک شهروند می‌تواند از نظر تئوری به نهادهای مجری قانون برای محافظت از خود و دارایی‌های خویش تکیه کند، در نظام بین‌المللی چنین شرایط تضمین شده‌ای برای هیچ کدام از افراد، نهادها یا کشورها وجود ندارد. به عبارت دیگر، بروز جرایم در سطح بین‌المللی از وضعیت داخلی حکومت‌ها تبعیت نمی‌کند و در صورت بروز نمی‌توان امیدوار بود که یک نهاد قانونی با اختیارات انحصاری وارد عمل شود و خیلی سریع شرایط را به وضعیت پیشین بازگرداند. بنابراین، در جایی که یک کشور توسط دولت دیگری مورد تهاجم قرار می‌گیرد، دولت مورد تهاجم نمی‌تواند خیلی مطمئن باشد که برای کمک به کجا پناه ببرد؟ همین امر باعث شده است که دولت‌ها برای تأمین منافع خود به استفاده از





قدرت و آن هم در اشکال مختلف آن روی بیاورند و حتی برای تأمین اهداف خود به تحمیل اراده خویش بر سایر کشورها بپردازند، حتی اگر این اقدام آنها با نقض قراردادها و معاهدات بین‌المللی همراه باشد. البته امروزه هر چند اقدام به استفاده از زور بارها در روابط بین‌الملل دیده می‌شود، اما به ندرت دیگر می‌توان شاهد انضمام قلمروهای سایر کشورها با استفاده از زور به سرزمین یک کشور دیگر بود، زیرا غیرقانونی است. چرا که از نظر تئوری این موضوع در روابط بین‌الملل پیش‌بینی شده است تا زمینه برای اعمال نظم و ایجاد امنیت در روابط بین‌الملل فراهم گردد. این موضوع به خوبی نشان‌دهنده پویایی حاکم بر روابط بین‌الملل و همچنین ماهیت روابط حاکم بر دولت‌ها است که در قالب سازمان‌های بین‌المللی (هرچند غالباً بدون قدرت اجرایی قابل توجه و فراگیر) و برخی نهادهای ملی و فرو ملی مشخص شده است (Lawson, 2023: 11-15). اما آیا در مورد تعدی دولت‌ها به حقوق شهروندان، یا تعدی شهروندان به حقوق کشورها شرایط مشابهی در حقوق بین‌الملل پیش‌بینی شده است و اعمال قدرت و کاربرد دیپلماسی پلیسی از سوی برخی از کشورها با یک نیروی نظم‌دهنده بین‌المللی در حقوق مواجه می‌شود که تضمین‌کننده حقوق شهروندان باشد؟ پاسخ به این پرسش دشوار است، اما یک چیز در این زمینه خودنمایی می‌کند. به نظر می‌رسد که در دیپلماسی پلیسی نیز شاهد سیاست‌ورزی هستیم و نه در همه یا اکثر موارد، اما در موارد بسیار مهمی این قدرت سیاسی است که به نقش‌آفرینی می‌پردازد و باعث می‌شود حقوق برخی از شهروندان و دولت‌ها در برابر کشورهای قدرتمند که از دیپلماسی پلیسی قوی برخوردار هستند، تضییع شود. همزمان همین رابطه نابرابر میان کشورها که به شکل‌گیری دیپلماسی نابرابر پلیسی می‌انجامد، دست برخی از کشورها را برای پیگیری موارد مورد نظر خویش باز گذاشته است، در حالی که تعداد دیگری از کشورها از فرصت‌های مشابهی برخوردار نیستند. بنابراین در اینجا شاهد یک پویایی در حوزه دیپلماسی پلیسی در نظام بین‌الملل هستیم که الزاما همیشه عادلانه نیست.

به هر حال آنچه که باعث پویایی روابط بین‌الملل گردیده است، ضرورت به وجود آوردن شرایطی بود که در سایه آن، روش‌های موثری ایجاد شود تا به حل و فصل اختلافات میان کشورها در موضوعات مختلف پرداخته شود و به این ترتیب زمینه برای حفاظت از حاکمیت



ملی کشورها (به خصوص آن دسته از دولت ملتهایی که از قدرت زیادی برخوردار نیستند) فراهم شده و در نهایت احتمال بروز جنگ و بحران‌هایی که امنیت کشورها و مردم جهان را در خطر قرار می‌دهند، از بین برود (Naylor, 2022: 26-28). یکی از این ساز و کارهای بین‌المللی که برای حل و فصل اختلافات میان کشورها پیش‌بینی شده است، نظام ارتباطاتی است که بین دستگاه‌های انتظامی و قضایی کشورها برای پیگرد مجرمان و تأمین حقوق نهادها، حکومت‌ها و شهروندان پیش‌بینی شده است.

امروزه یکی از زمینه‌های نگرانی در تعامل بین کشورها این است که چگونه مجرمان فراری دیگر کشورها را دستگیر نمود و به کشور مبدأ یا محلی که در آنجا مرتکب جرم شده است، بازگرداند تا با عدالت و یا مجازات قانونی خویش مواجه شوند؟ زیرا با توجه به حق حاکمیت سرزمینی که در حقوق بین‌الملل برای کشورها پیش‌بینی شده است، کشوری که در آن جرم صورت پذیرفته است نمی‌تواند صلاحیت کیفری خود را برای بازداشت یا مجازات افراد تحت تعقیب در کشور دیگری اعمال نماید (Cassese, 1998: 3). چرا که این امر ممکن است به منزله نقض حاکمیت دولت میزبان باشد. در این مواقع برای آنکه مجرم فراری را به دست عدالت سپرده شود، نیاز است که کشور میزبان فرد فراری را به کشور مبدأ یا کشور محل ارتکاب جرم تسلیم کند. ضرورت این مسئله باعث شده است که اصل استرداد در روابط بین‌الملل، حقوق بین‌الملل و دیپلماسی پلیسی به وجود آید. استرداد به عنوان تسلیم رسمی یک فرد، بدون توجه به رضایت وی، که ادعا شده مجرم است توسط یک دولت یا کشور به دولت دیگری که صلاحیت رسیدگی به جرم متهم را دارد، تعریف شده است. چنانچه متهم بدون طی تشریفات قانونی توسط یک دولت به دولت دیگر تحویل داده شود، از این عمل به عنوان استرداد فوق‌العاده مجرم یاد می‌شود. استرداد فوق‌العاده به معنای دقیقتر هنگامی اتفاق می‌افتد که یک متهم بدون محاکمه در کشور میزبان، به کشوری که خواستار بازگشت اوست تحویل داده شود. هر چند این اتفاق از منظر حقوق بین‌الملل غیرقانونی قلمداد شده است، اما گاه این اتفاق می‌افتد (Garner, 2007: 623).

همچنین لازم است اشاره شود که حکم استرداد بین‌المللی با استرداد که در نتیجه توافقنامه دوجانبه میان دو کشور رخ می‌دهد، متمایز است. استرداد بین‌المللی شامل استرداد



یک فرد از یک کشور به کشور دیگری است که در آنجا متهم یا مجرم شناخته شده است. در این فرآیند پلیس یک کشور با اعلان قرمز به (سازمان) اینترپل، خواستار دستگیری او می‌شود و اینترپل در صورت تأیید درخواست پلیس کشور متقاضی، از سایر کشورها درخواست می‌نماید که بلافاصله مجرم را به محض شناسایی دستگیر و به کشور متقاضی تحویل دهند. این در حالی است که در استرداد دوجانبه، کشوری که متهم در آنجا اقامت دارد، با درخواست کشوری که فرد را متهم نموده است، موافقت می‌نماید و متهم را با اعلان قرمز و یا بدون اعلان قرمز اینترپل استرداد می‌دهد. در این فرآیند، نیاز است که پیش از هر چیز، دو کشور یک موافقتنامه دوجانبه استرداد مجرمان را داشته باشند و ارتباط موثر و پیوسته‌ای میان پلیس دو کشور برقرار باشد. در استرداد، براساس قرارداد دوجانبه، پلیس یک نقش کانونی را ایفا می‌نماید و در موارد متعددی، مجرمان بدون محاکمه در کشوری که دستگیر می‌شوند به کشور مبدأ استرداد داده می‌شوند. این شرایط همانگونه که گفته شد، وابسته به وجود یک قرارداد دوجانبه است، علاوه بر این نیز، نیاز است که پلیس دو کشور از سطح بالایی از همکاری دوجانبه برخوردار باشند. در اینجا دیپلماسی پلیسی اهمیت بسیار زیادی پیدا می‌کند. در واقع دیپلماسی پلیسی به مجموعه‌ای از قراردادها، همکاری‌ها، اقدامات و تبادل اطلاعات گفته می‌شود که دستگاه انتظامی یک کشور برای پیشگیری از جرم، مبارزه با جرایم مختلف، دستگیری مجرمان، تأمین امنیت و توسعه آن و... با همکاری سایر کشورها انجام می‌دهد. از این رو از این موضوع به عنوان یکی از ابزارهای ضروری برای کاهش جرایم و گسترش عدالت در کشورها یاد می‌گردد (موسی زاده و بابلیان، ۱۳۹۹: ۱۰-۱۱). در فرآیند دیپلماسی پلیسی، باید مجموعه‌ای از شواهد، اسناد و مدارک و یا در صورت لزوم، شهادت شاهدان معتبر ارائه شود تا طرف متقابل در زمینه استرداد مجرم با پذیرش آنها در مسیر همکاری گام بردارد. همچنین در این فرآیند، عوامل مداخله‌گر دیگر نظیر ملاحظات سیاسی، امنیتی و... نباید نقش آفرین باشند و هیچگونه خطری در مورد مجازات فراقانونی متوجه متهم نباشد (Boister, 2023: 230- 234). با این وجود، در موارد بسیاری، کشورهای شرکت‌کننده در استرداد مجرمان به گزاره برقراری عدالت اکتفا می‌کنند و هیچ تضمینی در مورد رسیدگی عادلانه به اتهام آنها ارائه نمی‌دهند. کما اینکه پس از استرداد نیز کشور درخواست‌شونده



استرداد در عمل هیچ ابزاری برای پیگیری مجازات عادلانه در اختیار ندارد و تنها می‌تواند از طریق مسیرهای دیپلماتیک به تعامل در مورد فرد متهم بپردازد.

۳. چالش‌های تحقق دیپلماسی پلیسی

دیپلماسی پلیسی شامل طیف متنوعی از کنش‌های امنیتی می‌شود که از سوی پلیس یک کشور صورت می‌پذیرد تا با جلب همکاری پلیس کشورهای دیگر زمینه برای همکاری موثر فراهم آید (موسی‌زاده و بابلیان، ۱۳۹۹). این همکاری‌ها در عمده موارد، مربوط به جرایم سازمان‌یافته است که دامنه تأثیر و فعالیت آنها فراتر از حوزه مسئولیت پلیس یک کشور است. نظیر قاچاق بین‌المللی مواد مخدر، قاچاق انسان، تجارت برده، تجارت جنسی، تروریسم، فعالیت‌های مخرب علیه امنیت بین‌المللی و... (Martha, 2020). این امر نشان‌دهنده آن است که استرداد مجرمان در روند دیپلماسی پلیسی نقطه پایان یک زنجیره از اقدامات بین‌المللی است که پلیس برای ایجاد امنیت صورت می‌دهد. اما این امر به آسانی نمی‌تواند صورت پذیرد، چرا که به علت تعداد کشورهای جهان، تفاوت‌های نظام‌های حقوقی و پلیسی در این کشورها، ضعف‌های احتمالی در فرایند جمع‌آوری و تبادل اطلاعات و همچنین تأثیر گذاری روابط خارجی بر اقدامات پلیسی، چالش‌های مختلفی در مسیر دیپلماسی پلیسی ایجاد می‌گردد. این چالش‌ها باعث شده است که دیپلماسی مستقیم پلیسی میان کشورهای مختلف پرهزینه، زمان‌بر و دشوار گردد. به این ترتیب برای حل این مشکل نقش‌آفرینی سازمان پلیس بین‌الملل اهمیت می‌یابد. سازمان پلیس بین‌الملل با هدف کاهش زمان دسترسی به متهمان و مجرمان فراری، هماهنگ‌سازی تلاش‌ها برای دستگیری مجرمان و همچنین کاهش هزینه‌های لجستیک، انسانی، حقوقی و... این فرآیند (سازمان) اینترپل تشکیل شده است. وظیفه اینترپل در اینجا، ایجاد هماهنگی میان کشورهای مختلف و تبادل اطلاعات در مقیاسی وسیع، سریع، دقیق و موثر است (Abiodun et al, 2020: 14- 16). به عبارت دیگر، (سازمان) اینترپل یک نهاد اجرایی مستقل در سطح بین‌المللی نیست، بلکه تنها به عنوان یک مرجع هماهنگ‌کننده برای سازمان دادن به تلاش‌های موجود برای دسترسی به متهمان شناخته می‌شود.



پلیس یک کشور می‌تواند برای دسترسی سریع به متهمان، اطلاع از محل احتمالی مجرمان، یا جلوگیری از فرار آنها، به تبادل اطلاعات با (سازمان) اینترپل بپردازد. سازمان پلیس بین‌الملل جنائی (اینترپل) نیز از اطلاعات جمع‌آوری شده برای مطلع ساختن طرف‌های درگیر در فرایند دستگیری و استرداد متهمان استفاده می‌کند و از آنها می‌خواهد که با استناد به مدارک و اطلاعات برای دستگیری و استرداد متهمان همکاری کنند. اما این اقدامات اینترپل، به ضرورت ارزش اجرایی ندارد (Abiodun et al, 2020: 14-16). این امر یکی دیگر از چالش‌های پیش روی دیپلماسی پلیسی را آشکار می‌کند، زیرا در حقوق بین‌الملل، (سازمان) اینترپل به عنوان نهاد مجری قانون شناخته نشده است و بیشتر به عنوان یک نهاد مشورتی و هماهنگ‌کننده عمل می‌کند.

چالش دیگر موضوع تفسیر اطلاعات و اسناد است. یک کشور ممکن است اسناد و مدارک درخواست‌کننده را کافی یا قانع‌کننده نداند و حتی آن را نقض حاکمیت ملی خود بداند. به عنوان مثال، کشوری که اعلان قرمز یک متهم را دریافت می‌کند، ممکن است متهم را بیگناه بداند یا تحت حمایت خود قرار دهد (Rostami and Jooi, 2021). چالش بعدی تعارض قوانین و فقدان سخت‌مجازات در کشورهای مختلف است. ممکن است یک کشور این تحلیل را مطرح نماید که در صورت استرداد یک متهم یا مجرم، ممکن است او در یک روند غیر عادلانه محاکمه شود و یا با مجازاتی روبه‌رو شود که استحقاق آن را ندارد. بر همین اساس، معمولاً پلیس این کشورها به تبعیت از قوانین داخلی خود و گاه با هماهنگی نهاد قضایی متبوع، از ارائه پاسخ مثبت برای درخواست استرداد مجرمان استنکاف می‌ورزند و دیپلماسی پلیس کشور درخواست‌کننده را ناکام باقی می‌گذارند (Coyne, 2022). این موارد نشان‌دهنده تعدد چالش‌های موجود در مسیر دیپلماسی پلیسی است که در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد.

۳.۱. فقدان ساز و کار مشخص میان پلیس و دستگاه سیاست خارجی

دیپلماسی پلیس در سطح بین‌الملل، فرآیندی نیست که در آن تنها پلیس به ایفای نقش بپردازد، بلکه مجموعه دیگری از عوامل و بازیگران نیز در این فرآیند حضور دارند که از



توانایی تأثیر گذاری بسیار بالایی بر روندهای حاکم بر استرداد مجرمان و متهمان برخوردار هستند. بنابراین باید گفت که در دیپلماسی پلیسی، نهاد پلیس مجبور است که در راستای سیاست خارجی کشور اقدام نماید و همین امر باعث می شود که در فرایند استرداد متهمان از کشورهای دیگر، در هنگام رویارویی با کشورهایی که روابط دوستانه با کشور درخواست کننده ندارند، مشکلات مختلفی برای استرداد متهمان وارد شود و یا حتی کشور درخواست کننده نتواند متهمان را بازگرداند. این امر نشان دهنده آن است که در هنگام بروز تنش های سیاسی هیچ ساز و کاری برای هماهنگی دستگاه های سیاست خارجی و پلیس برای حل مشکل استرداد متهمان وجود ندارد یا حداقل این ساز و کارها از تأثیر گذاری لازم برخوردار نیستند. در این زمینه و در گام نخست، نیاز است که دستگاه سیاست خارجی یک کشور از تأثیر گذاری بسیار بالایی در روابط خارجی برخوردار باشد و توانسته باشد تا مجموعه ای از روابط سازنده و مثبت را در قالب دیپلماسی دو یا چند جانبه به وجود بیاورد (Busby et al, 2020). در چارچوب دیپلماسی یک کشور و با به وجود آمدن روابط متقابل و منافع مشترک با بازیگران ملی دیگر کشورهای مختلف به سمت همکاری همکاری سیاسی و امنیتی با یکدیگر گام خواهند برداشت و در این فرآیند، گسترش دیپلماسی پلیسی میان دو کشور تنها یکی از گام ها خواهد بود. نکته قابل توجه آن است که این مشکل بدون حل اختلافات سیاسی میان کشورها قابل حل نخواهد بود و حتی ممکن است از سوی کشورها به عنوان ابزاری برای اعمال فشار بر یکدیگر نیز استفاده شود.

چنانچه یک کشور در روابط سیاسی خود با کشورهای دیگر دستخوش تنش های ژئوپولیتیک باشد، همواره احتمال آن وجود دارد که موضوعات مرتبط با آن کشور از یک ماهیت ژئوپولیتیک برخوردار شوند و کشورهای دیگر از موضوعات غیر سیاسی به عنوان ابزارهایی موثر برای اعمال فشار سیاسی استفاده نمایند. در این فرآیند ممکن است که در روند تحقیقات برخی پرونده های جنایی دستگاه های امنیتی و قضایی کشورها تحت تأثیر فشارهای سیاسی به سمت تصمیم گیری سیاسی حرکت نمایند و دیپلماسی پلیسی را به ابزاری برای تحت فشار قرار دادن سایر کشورها مبدل سازند (Tang et al, 2022). به عنوان مثال، تحت فشارهای سیاسی که در اواخر دهه نود میلادی به پلیس آرژانتین وارد شد، پلیس

این کشور مجبور شد که با وجود فقدان مدارک و شواهد کافی، تعدادی از مقامات جمهوری اسلامی ایران را به دست داشتن در انفجار آمیا^۱ در ساختمان انجمن دوستی اسرائیل و آرژانتین^۲ در شهر بوینس آیرس^۳ متهم نماید و از ایران بخواهد که تعدادی از مقامات کشور خود را برای محاکمه به کشور آرژانتین تحویل دهد (Levitt, 2015: 43). در سال ۱۳۲۰ میلادی، کشور آرژانتین برای ۱۳ نفر از مقامات جمهوری اسلامی قرار تعقیب صادر کرد و از اینترپل خواست تا درخواست بازداشت آنان را صادر کند. اینترپل نیز بنا به درخواست آرژانتین، درخواست بازداشت را برای ۵ نفر از مقامات جمهوری اسلامی ایران صادر کرد (bbc.com, 2007). در ادامه، این درخواست توسط جمهوری اسلامی ایران رد شد. در این راستا، همزمان با اینکه مقامات جمهوری اسلامی ایران، هرگونه مشارکت در بروز این حادثه را رد کردند و مقامات قضایی و پلیس این کشور را به سیاسی‌سازی یک پرونده مهم متهم نمودند. چنین رخدادهایی بدون تردید کارکرد دیپلماسی پلیسی را به حداقل خواهد رساند. چرا که کشورهای مختلف به این نتیجه خواهند رسید که هیچ کدام از نهادهای قضایی و پلیسی از استقلال برخوردار نیستند و تحت تأثیر ملاحظات سیاسی دست به تحقیقات و تصمیم‌گیری زده‌اند. به تبع آن، در چنین شرایطی دیپلماسی پلیسی، برای هر دو کشور درخواست‌کننده و درخواست‌شونده برای استرداد مجرمان فاقد تأثیرگذاری خواهد بود.

۳.۲. ترجیح ملاحظات سیاسی

رجحان ملاحظات سیاسی در اجرای توافق‌نامه‌های دو یا چند جانبه، به عنوان یکی دیگر از مهمترین چالش‌های پیش‌روی تحقق دیپلماسی پلیسی مطرح است. این چالش به توافق یک کشور با کشورهای دیگر برای امضای توافقنامه‌های دوجانبه برای استرداد مجرمان، همکاری در تحقیقات و فرایندهای کنترلی و قضایی و در نهایت تبادل اطلاعات مربوط می‌شود. برای مثال اگر یک کشور قوانین متقابل استرداد مجرمان را با یک کشور دیگر به امضا رسانده باشد، دیپلماسی پلیسی برای کنترل جرم و جنایت به حد اعلائی کفایت خود نخواهد رسید.

1. The AMIA bombing.
2. Asociación Mutual Israelita Argentina.
3. Buenos Aires.



برای این منظور نیاز است که نهادهای قضایی عالی در دو کشور در زمینه مبارزه با جرم و جنایت، قوانین شفافیت داشته باشند و از اعتبار بین‌المللی قابل قبولی در برقراری عدالت و رسیدگی به جرایم برخوردار باشند (Hanson et al, 2023). چنانچه در حوزه قضایی همکاری و هماهنگی بالایی وجود نداشته باشد، معمولاً نهاد پلیس دو کشور برای گسترش دیپلماسی دوجانبه پلیسی با مشکلات و موانع مختلفی برخورد خواهند کرد و به سبب محدودیت‌های قانونی، در بهترین حالت به تبادل اطلاعات با یکدیگر خواهند پرداخت. به عنوان نمونه، در سال ۲۰۱۸ میلادی کارلوس گوسن^۱ مدیرعامل پیشین شرکت نیسان^۲ در ژاپن به اتهام تخلفات مالی بازداشت شد. گوسن که به صورت همزمان شهروندی دو کشور لبنان و فرانسه را داشت، در سال ۲۰۱۸ میلادی از ژاپن گریخت و به زادگاه خود کشور لبنان پناه برد (BBC.com, 2019). با آنکه بعد از این رخداد علاوه بر ژاپن، دادگستری فرانسه نیز درخواست بازداشت گوسن را صادر کرده بود (خبرگزاری فرانسه، ۲۰۲۲) کشور لبنان به دو دلیل فقدان قرارداد استرداد مجرمان و همچنین ملاحظات سیاسی، نه تنها از استرداد کارلوس گوسن به فرانسه و ژاپن خودداری نمود، بلکه او را نیز تا کنون مورد هیچ پیگرد قضایی قرار نداده است. در چنین شرایطی بدون تردید دیپلماسی پلیسی به نتیجه نخواهد رسید، چرا که کشور میزبان به سبب ملاحظات سیاسی، امنیتی، اقتصادی یا مواردی نظیر آن، حاضر نخواهد شد به همکاری پلیسی با کشورهای دیگر برای بازداشت شهروند خود مبادرت ورزد.

۳.۳. فقدان ضمانت اجرایی درخواست‌های اینترنتل

چالش دیگری که وجود دارد آن است که در دیپلماسی پلیسی، همه طرف‌هایی که در یک پرونده مشارکت دارند، حاضر به همکاری با اینترنتل و پذیرش درخواست‌های دستگیری از سوی این نهاد بین‌المللی باشند. با توجه به اینکه درخواست‌های بازداشت اینترنتل، هیچ کشوری را ملزم به تبعیت از حکم بازداشت نمی‌کند، مسئله همکاری پلیس‌های ملی با این سازمان، درهاله‌ای از ابهام قرار می‌گیرد (Abubakari and Blaszczyk, 2023). چرا که

1. Carlos Ghosn
2. Nissan



کشورها ممکن است همانگونه که اشاره شد، به دیپلماسی پلیسی کشورهای دیگر برای حل و فصل پرونده‌های مرتبط با استرداد مجرمان واکنش مثبت نشان ندهند و حاضر به پذیرش درخواست‌های بازداشت و استرداد نشوند یا حتی در داخل کشور خود به افراد تحت تعقیب تابعیت اعطا کنند. برای نمونه؛ در ماه مارس سال ۲۰۱۳ میلادی، مجله «ویرد»^۱ در یک گزارش تحقیقی مدعی شد که دولت ایالات متحده آمریکا در حال ساخت بزرگترین دستگاه جاسوسی جهان است که طی آن همه مکالمات و مکاتبات الکترونیک شهروندان آمریکایی و کشورهای دیگر شنود می‌شود (Weird, 2013). مدتی بعد روزنامه «گاردین»^۲ شروع به انتشار مجموعه‌ای از اسناد طبقه‌بندی نمود که نشان می‌داد دولت آمریکا دست به جاسوسی گسترده از مردم جهان زده است و با همکاری کشورهای دیگر در حال جمع‌آوری اطلاعات شخصی میلیون‌ها شهروند از کشورهای مختلف است (Duran- Sanchez, 2013). با انتشار این اخبار دولت آمریکا رسماً «ادوارد اسنودن»^۳ افشاگر این اسرار را متهم به جاسوسی نمود و برای او حکم بازداشت صادر کرد. اما دولت روسیه درخواست استرداد او را که از طریق آمریکا (هم به صورت مستقیم و هم از طریق اینترپل) ارسال شده بود، نپذیرفت، در ابتدا با درخواست پناهندگی او موافقت کرد و در نهایت شهروندی روسیه را به اسنودن اعطا نمود (Washington Post, 2022). این در حالی بود که پلیس فدرال و وزارت خارجه آمریکا برای چند سال از دیپلماسی پلیسی برای استرداد اسنودن به آمریکا استفاده کرده و از طریق اینترپل حکم بازداشت بین‌المللی او را به همه کشورهای عضو اعلام کرده بودند. به عبارت دیگر، کشور روسیه به سبب منافع ژئوپولیتیکی که با پناه دادن به اسنودن به دست آورده بود، حاضر به استرداد این شهروند آمریکایی نشد و درخواست‌های اینترپل را نیز نادیده گرفت. این موارد نشان‌دهنده آن است که حتی در صورت وجود یک دیپلماسی بسیار گسترده از سوی یک کشور و همکاری (سازمان) اینترپل، باز هم امکان آن وجود دارد که استرداد مجرمان به سرانجام نرسد. بنابراین دست‌یابی به یک چهارچوب نظام‌مند پلیسی در عرصه بین‌المللی، ضرورتی انکارناپذیر است تا از رهگذر آن بتوان بر چالش‌های موجود غلبه نمود.

1. Weird
2. The Guardian
3. Edward Joseph Snowden



۳،۴. ضرورت پیش‌بینی تضمینات لازم برای رعایت حقوق انسانی مجرمان پس از استرداد بسیاری از کشورها در زمینه استرداد مجرمان اختلافات عمده‌ای نیز با یکدیگر دارند. به عنوان مثال، تعدادی از کشورها که با یکدیگر قرارداد استرداد مجرمان را امضا نکرده‌اند یا بر سر صحت شواهد استفاده شده در درخواست‌های بازداشت بین‌المللی اعلام شده از سوی اینترپل تردید دارند، بارها یکدیگر را به نقض حقوق شهروندان خود متهم کرده‌اند. در سال ۲۰۱۰ میلادی، «جولیان آسانژ»^۱ شهروند استرالیایی افشاگر اسناد «ویکی‌لیکس»^۲ در کشور سوئد متهم به آزار جنسی شد. او در سال ۲۰۱۱ میلادی در دادگاهی در بریتانیا برای پاسخ به پلیس انگلیس و سوئد حاضر شد و با قرار وثیقه آزاد شد. پس از آنکه مشخص گردید ممکن است پلیس بریتانیا آسانژ را یا به صورت مستقیم به آمریکا منتقل کند یا با استرداد او به سوئد، زمینه را برای انتقال غیرمستقیم آسانژ به آمریکا فراهم نماید، آسانژ به سفارت کشور اکوادور پناهنده شد. در سال ۲۰۱۹ میلادی به درخواست دولت اکوادور، پلیس بریتانیا وارد سفارت اکوادور در لندن شد و او را در دادگاه به استرداد به آمریکا، جایی که با حکم احتمالی ۱۷۵ سال زندان مواجه است، محکوم کرد (Euro news, 2021). این امر در حالی بود که در این پرونده پیچیده قضایی، وکلای آسانژ مدعی شده‌اند که اتهام آزار جنسی با هدف گیر انداختن آسانژ و استرداد او به آمریکا مطرح شده بود، در این راستا بعداً این پرونده با پذیرش درخواست آمریکا برای استرداد آسانژ به آمریکا جهت محاکمه متصل شد. از نظر حقوقی، پرونده آسانژ یکی از مواردی است که نشان‌دهنده پیچیدگی‌های دیپلماسی پلیسی و درستی یا نادرستی اسناد است. در حالیکه آسانژ شهروندی استرالیایی بود، در آمریکا به اتهام جاسوسی برای او کیفرخواست صادر شده است، در سوئد اتهام پرونده آزار جنسی مفتوح است، در بریتانیا نیز پرونده استرداد او به آمریکا مفتوح می‌باشد و همزمان به سبب فرار از عدالت در زندان است. این مسئله باعث شده است که دولت استرالیا خواستار آزادی آسانژ و بازگشت او به کشور خود شود؛ در حالیکه سه کشور سوئد، بریتانیا و آمریکا بر استرداد و محاکمه او در آمریکا پافشاری می‌کنند (BBC, 2022). موارد مشابه این پرونده در زمینه استرداد مجرمان

1. Julian Paul Assange
2. WikiLeaks

فراوان است. به همین دلیل بسیاری از منتقدان را بر آن داشته است تا با رویکردی انتقادی به تحلیل دیپلماسی پلیسی کشورهای مختلف بپردازند و بر این نکته تأکید نمایند برخی موضوعات ممکن است در یک کشور جرم انگاشته شود، نه تنها در کشورهای دیگر ممکن است جرم‌انگاری نشده باشند، بلکه حتی در شرایطی احتمال دارد زمینه‌ساز بهبود زندگی شهروندان شود (Lo et al, 2021: 52). همین امر نشان‌دهنده آن است که در دیپلماسی پلیسی به صورت جدی باید بر روی موضوعات کلیدی نظیر حقوق بشر و شهروندان نیز تأکید نمود تا به این ترتیب موضوع استرداد مجرمان به تهدیدی علیه حقوق بشر تبدیل نگردد (Efrat and Newman, 2020: 581). این موضوع نشان‌دهنده آن است که تعارض قوانین میان کشورهای مختلف باعث می‌شود که سطح همکاری میان آنها پرچالش شود. از این نظر شاید یکی از راهکارها این باشد که نظام حقوقی و مجازات کشورها تا جای ممکن هماهنگ شود تا به این ترتیب زمینه برای محاکمه عادلانه متهمان و مجازات عادلانه آنان فراهم شود و همزمان سطح اطمینان از رعایت حقوق انسانی متهمان و مجرمان افزایش یابد.

نتیجه‌گیری

دیپلماسی پلیسی برای استرداد متهمان و مجرمان را باید به عنوان یکی از ابزارهای اساسی برای پیگرد مجرمان فراری در نظر گرفت که تلاش می‌کنند با خروج از محدوده صلاحیت قضایی یک کشور در مناطق یا کشورهای امن پناه بگیرند و از پاسخگویی به اتهامات و جرایم خود ایمن بمانند. اهمیت این امر به قدری گسترده است که یک سازمان بین‌المللی به نام اینترپل برای ایجاد هماهنگی در میان کشورهای مختلف برای پیگرد، بازداشت و استرداد متهمان و مجرمان تشکیل شده است. با این وجود، از آنجا که در روابط بین‌الملل یک بی‌نظمی (نظام آنارشیک) برقرار است، هیچگونه تضمینی برای دستگیری متهمان و مجرمان وجود ندارد مگر آنکه کشورها در راستای همکاری‌های دو یا چندجانبه حاضر به پذیرش در خواست‌های یکدیگر گردند. علاوه بر این، مجموعه‌ای از عوامل دیگر نیز هستند که بر عملکرد دیپلماسی پلیسی برای استرداد متهمان و مجرمان تأثیرگذار هستند. از جمله آنها می‌توان به سطح روابط و همکاری‌های دوجانبه میان کشورها، اعتبار نظام قضایی در



صدور قرار مجرمیت، ملاحظات سیاسی کشورها در رو به رو شدن با درخواست‌های استرداد متهمان و مجرمان و نگرانی‌های موجود در زمینه رعایت حقوق متهمان و مجازات‌های غیر عادلانه اشاره کرد. این موارد باعث شده است که فرایند دیپلماسی پلیسی برای استرداد مجرمان به امری بسیار پیچیده تبدیل شود که گاه زمینه‌ساز بروز تنش‌هایی در روابط میان کشورهای مختلف نیز می‌گردد. همزمان با این عوامل مداخله‌گر که می‌توانند موفقیت دیپلماسی پلیسی را به چالش بکشند، نگرانی‌هایی نیز در زمینه رعایت حقوق بشر از سوی منتقدان دیپلماسی پلیسی مطرح شده است. چرا که به سبب وجود دلایل و عوامل مختلف، بخشی از اتهاماتی که در یک کشور می‌تواند مجرمانه باشد در کشورهای دیگر به عنوان حقوق شهروندی شناخته شده است و کاربرد دیپلماسی پلیسی از سوی کشورها برای کسانی که به چنین اتهاماتی متهم شده‌اند، باعث می‌گردد که حقوق شهروندی افراد در معرض خطر قرار گیرد.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده آن است که دیپلماسی پلیسی یک کنش موثر در مبارزه با اقدامات و فعالیت‌های مجرمانه در بعد بین‌المللی است که باعث می‌شود مجرمان کمتر از گذشته در محدوده امن قرار داشته باشند. اما برای پیشبرد این شکل از دیپلماسی نیاز زیادی به همکاری نهادهای داخلی، کشورهای خارجی و نهادهای متبوع آنها وجود دارد. همزمان موفقیت این امر در بعد جهانی منوط به شکل‌گیری تفاهم میان بازیگران برای گسترش همکاری و پرهیز از ملاحظات سیاسی در برخورد با پرونده‌های متهمان فراری است. ضمن اینکه لازم است همزمان به حقوق شهروندی افراد نیز توجه گردد تا در سایه دیپلماسی پلیسی، آن دسته از شهروندانی که در معرض خطر مجازات‌های ناعادلانه قرار دارند، بتوانند امنیت خویش را حفظ کنند.

پیشنهاد‌های کاربردی:

برای تحقق مطلوب دیپلماسی انتظامی و رفع چالش‌های پیش‌روی آن در استرداد مجرمین، پیشنهادها می‌گردد:

۱. با برنامه ریزی مناسب اینترنل و در پرتو «سیاست همسایه خوب» کشورها در پهنه



- منطقه‌ای و بین‌المللی تلاش کنند تا از این رهگذر دیپلماسی پلیسی توسعه یابد و به دنبال آن، استرداد متهمان و انتقال محکومان با سهولت بیشتری به سرانجام برسد.
۲. مناسب است کشورها با تقید قضائی و سیاسی به کیفرگرایی و مجازات قانونی مجرمین استرداد شده (بر اساس اساسنامه اینترپل) به ویژه در مواقعی که در موضوعات مختلف بین کشورها جرم‌انگاری یکسان صورت نپذیرفته است، امکان تحقق مطلوب‌تر دیپلماسی پلیسی را فراهم سازند.
۳. پیشنهاد می‌گردد کشورها، ضمن توجه به تعهدات بین‌المللی و همچنین همگرایی داخلی بین دستگاه‌های پلیس، قضائی و دیپلماسی خارجی (وزارت خارجه)، مبادرت به تعریف سازوکار مشخصی برای اجرای سیاست‌های استرداد در پرتو دیپلماسی پلیسی نمایند تا این احساس وحدت رویه و وجود فرایند متقن، در حوزه‌های قضائی و پلیسی کشور استرداد‌کننده نیز ملموس شود.
۴. کشورها با توجه به قوانین و مقررات داخلی و بین‌المللی و با هدف توسعه دیپلماسی پلیسی، نسبت به انعقاد قراردادهای دو یا چندجانبه در زمینه استرداد مجرمین نمایند تا افزون بر عرصه داخلی، اجرای عدالت در عرصه بین‌المللی نیز محقق گردد.

منابع

- خبرگزاری فرانسه. (۲۰۲۲). فرانسه حکم بازداشت بین‌المللی مدیرعامل سابق رنو- نیسان - میتسوبیشی را صادر کرد. قابل دسترس در آدرس: [rfi.fr/fa](https://www.rfi.fr/fa)
- بی بی سی. (۲۰۲۲). نخست وزیر استرالیا از آمریکا خواست به تعقیب قضایی جولیان آسانژ پایان دهد. قابل دسترسی در آدرس: <https://www.bbc.com/persian/63805204>
- موسی‌زاده، رضا و بابلیان، امید. (۱۳۹۹). ظرفیت‌های پلیس بین‌الملل ناجا در کاربست دیپلماسی انتظامی و پیامدهای آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علمی مطالعات بین‌المللی پلیس. دوره یازدهم، شماره ۴۴. زمستان سال ۱۳۹۹ خورشیدی. صص ۹-۴۶.
- Abiodun, Temitope Francis, and Tunde Abioro. (2020). Roles And Challenges Of International Criminal Police Organization (Interpol) In Investigation Of Crimes And Maintenance Of Global Security. The International Journal Research Publication's Research Journal of Social Science & Management. 10(3). Pp. 7- 24.
- Abubakari, Yushawu, and Blaszczyk, Mateusz. (2023). Politicization of Economic Cybercrime: Perceptions Among Ghanaian Facebook Users. Deviant Behavior. Pp. 1- 20.
- BBC. (2019). Carlos Ghosn, Nissan's ex- head, flees Japan to Lebanon. In access at: <https://www.bbc.com/news/business-50952335>
- Boister, Neil. (2023). A History of Double Criminality in Extradition. Journal of the History of International Law/Revue d'histoire du droit international. 25(2). Pp. 218- 257.
- Busby, Joshua, et al. (2020). Multilateralism and the use of force: experimental evidence on the views of foreign policy elites. Foreign Policy Analysis. 16(1). Pp. 118- 129.
- Cassese, Antonio. (1998). Reflections on international criminal jus-



- stice. *The Modern Law Review*. 61(1). Pp. 1- 10.
- Coyne, John. (2022). *Bending the Rules to Break the System: The Future of Interpol at a Crossroads*. *SAIS Review of International Affairs*. 42(1). Pp. 103- 117.
- Duran- Sanchez, Mabel. (2013). *Greenwald Testifies to Brazilian Senate about NSA Espionage Targeting Brazil and Latin America*. In access at: <https://web.archive.org/web/20150420185337/http://www.cepr.net/index.php/blogs/the-americas-blog/greenwald-testifies-to-brazilian-senate-about-nsa-espionage-targeting-brazil-and-latin-america>
- Efrat, Asif, and Newman, Abraham L. (2020). *Defending core values: Human rights and the extradition of fugitives*. *Journal of Peace Research*. 57(4). Pp. 581- 596.
- Euro news. (2021). *Julian Assange: WikiLeaks founder can be extradited to the US, rules UK High Court*. In access at: <https://www.euronews.com/2021/12/10/british-court-rules-that-julian-assange-can-be-extradited-to-the-u-s>.
- Hanson, Michael D., Amanim Akpabio, and Amanim Akpabio. (2023). *Extradition and State Responsibilities on the Protection of Rights of Requested Persons*. *International Journal of Research and Innovation in Social Science*. 7(6). Pp. 356- 371.
- https://www.bbc.com/persian/iran/story/2007/11/071107_mf_interpol
- Krcmaric, Daniel. (2022). *Nowhere to Hide? Global Policing and the Politics of Extradition*. *International Security*. 47(2). Pp. 7- 47.
- Lawson, Stephanie. (2023). *International relations*. New York: John Wiley & Sons.
- Levitt, Matthew. (2015). *Hezbollah: The Global Footprint of Lebanon's Party of God*. Georgetown: Georgetown University Press.





- Lo, Sonny Shiu- Hing, et al. (2021). The legal and political origins of the extradition bill. *The Dynamics of Peaceful and Violent Protests in Hong Kong: The Anti- extradition Movement*. Pp.51- 78.
- Martha, Rutsel Silvestre J., Courtney Grafton, and Stephen Bailey. (2020). *The legal foundations of Interpol*. London: Bloomsbury Publishing.
- Naylor, Tristen. (2022). Social closure and the reproduction of stratified international order. *International Relations*. 36(1). Pp. 23- 39.
- Pangalangan, Raul C. (2021). Extradition. *Philippine Materials in International Law*. Brill Nijhoff, Pp. 342- 374.
- Rostami, Bnafsheh, and Atefeh Jooj. (2021). The Capacity of Police Organizations to Prevent Crime with an Emphasis on Interpol and Europol. *International Journal of Multicultural and Multi religious Understanding*. 8(3). Pp. 200- 213.
- Simanjuntak, Efendi Lod. (2020). Incoming Extradition in Indonesia and Its Implication to Human Rights. *Walisongo Law Review (Walrev)*. 1(2). Pp. 113- 124.
- Tang, Thomas Yun- tong, and Michelle WT Cheng. (2022). The politicization of everyday life: understanding the impact of the 2019 Anti- Extradition Law Amendment Bill Protests on pro- democracy protesters' political participation in Hong Kong. *Critical Asian Studies*. 54(1). Pp. 128- 148.
- Tinsley, Alex. (2021). Specialty: Arresting an elusive 'right' in European extradition law. *New Journal of European Criminal Law*. 12(1). Pp. 23- 35.
- Waltz, Kenneth. (2008). *Realism and International Politics*. London: Google Books. Pp 34- 56
- Washington Post. (2022). Edward Snowden swears allegiance to Russia and receives passport, lawyer says. In access at: <https://www.wash->

ingtonpost.com/world/2022/12/02/edward- snowden- russian- citizenship/

Weird. (2013). The NSA Is Building the Country’s Biggest Spy Center (Watch What You Say): The National Security Agency’s immensely secret project in the Utah desert will intercept, analyze, and store yotabytes of the world’s communications—including yours. In Access at: <https://www.wired.com/2012/03/ff- nsadatacenter/>

